

نوع مقاله: پژوهشی

پیامدهای امنیتی مناسبات چین و اسرائیل برای آمریکا

فرزاد رستمی، ندا کهریزی^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

چکیده

عرصه روابط بین الملل در ساختاری آنارشیک روابطی با نگاه امنیتی و قدرت جویانه را موجب می شود و اقداماتی جهت توسعه قدرت در نظم خودیارانه انگاره تضعیف امنیت را در میان دولت های در حال رقابت ایجاد می کند. رقابت کنونی ایالات متحده و چین به عنوان قدرتی نوظهور در این چارچوب قابل بررسی است. ایالات متحده حضور چین در خاورمیانه و تعامل روبه گسترش چین و اسرائیل را نفوذ در حیطه استراتژیک خود ارزیابی می کند؛ مناسباتی که امروزه ابزاری است که در دست چین خوب عمل کرده. پژوهش حاضر به منظور بررسی عرصه نوین رقابتی ایالات متحده و چین حضور چین در حیات خلوت ایالات متحده یعنی اسرائیل را مدنظر قرار داده. گسترش روابط و تعاملات دو کشور که نفوذ قدرت چین در اسرائیل را به همراه دارد از ابعاد گوناگون قابل توجه است. حال پرسش این است که «پیامدهای امنیتی گسترش حوزه نفوذ چین در اسرائیل برای ایالات متحده کدامند؟» در پاسخ و با بهره از رویکرد تحلیلی توصیفی و با روش کتابخانه ای می توان بیان داشت که «تعاملات روبه رشد چین و اسرائیل در بردارنده پیامدهای امنیتی برای ایالات متحده خواهد بود که در ابعاد فناورانه، زیرساختی، سایبری و تجاری قابل بررسی است» با بهره از تئوری معمای امنیتی می توان ابعاد گسترش حضور چین در منطقه خاورمیانه و با تأکید بر اسرائیل را تشریح و پیامد امنیتی آن را برای آمریکا تبیین نمود. در نتیجه این تسری نفوذ چند پیامد امنیتی برای ایالات متحده محتمل است که در صورت عدم توجه ایالات متحده و گسترش دامنه تنش میان دو قطب اقتصادی شرایط را برای ایالات متحده پیچیده خواهد کرد

واژگان کلیدی: معمای امنیت، گسترش نفوذ، مناسبات چین و اسرائیل، پیامد امنیتی، تهدیدات سایبری و فناورانه

۱. استادیار روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

f.rostami1361@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

Kahrizineda1@gmail.com

Security consequences of china_israel relations for United states of America

Farzad Rostami^۱, Neda Kahrizi^۲

Abstract

The anarchic and self-serving structure of international politics leads to security and power-based competition and rivalry. The current rivalry between the United States and China can be examined in this context. The United States assesses China's presence in the Middle East and the growing Sino-Israeli interaction as a threat in the strategic region of the Middle East. The present study examines the US-China political competition in Israel. The Sino-Israeli increasing relations is remarkable from various dimensions. This article investigates the security implications of Chinese influence in Israel for the United States. The authors use a descriptive analytical approach and a library method to argue that the increasing Sino-Israeli relations will have security implications for the United States with technological, infrastructure, cyber and commercial dimensions. Using the theory of the security dilemma, the authors explain the dimensions of China's increasing involvement in the Middle East, with an emphasis on Israel, and its security implications for the United States. Consequently, several security implications are likely for the United States if the United States does not pay attention and the scope of tension between the two economic poles expands. It will complicate the situation for the United States.

Keywords: influence expansion, security dilemma theory, China-Israel relations, security scenario, cyber and technological threats

^۱Assistant professor of International Relations, Razi University Kermanshah (Corresponding Author)

,f.rostami1361@gmail.com

^۲ M.A in International Relations, Razi University Kermanshah, Kahrizineda1@gmail.com

مقدمه

سیاست بین‌الملل را عرصه رقابت و کشمکش میان بازیگران می‌دانند. بازیگران این عرصه جهت کسب حداکثر منافع و بقا در نظم خود یارانه همواره به دنبال قدرت و گستره نفوذ بوده و هستند. با نگرشی منفعت‌محور و واقع‌گرا تعقیب منافع خویش جهت بقا و گسترش قدرت امری اجتناب‌ناپذیر و مبرم است. جهت گسترش قدرت و حفظ منافع ابزارهای گوناگون وجود دارد که همواره در تاریخ سیاست بین‌الملل میان قدرت‌ها قابل مشاهده بررسی بوده است. نظم خودیارانه موجب می‌شود قطب قدرت اقدامات رقیبان خود را با پیش فرضی امنیت محور ارزیابی کند آنچه ما اکنون در دو دهه اخیر بین دو قطب قدرت؛ ایالات متحده و چین به عنوان قدرت در حال ظهور شاهد بوده‌ایم در این منطقی می‌گنجد.

باگذشت چندین دهه از انقلاب چین این کشور تمام نیروی خویش را جهت رشد و توسعه در نظام بین‌الملل بکار برده و توانست در دهه دوم سده بیست و یک به رقیبی اقتصادی برای ایالات متحده مبدل شود؛ تداوم سیر صعودی رشد اقتصادی می‌تواند موجب قرارگیری آن در جایگاه نخست قدرت اقتصادی شود. آمریکا با تولید ۲۱ هزار میلیارد دلار در سال ۲۴ درصد کل تولید جهان و چین با تولید ۱۴ هزار میلیارد دلار در سال سهم ۱۶ درصدی از کل تولید جهان را دارد. رقابت دهه کنونی که در برهه زمانی جنگ تجاری میان آمریکا و چین را منجر شد و از سویی حضور و تعامل روبه گسترش چین در خاورمیانه نگرش امنیت محور ایالات متحده به اقدامات این قدرت آسیایی را پدید آورده. در مقابل این قدرت نوظهور آسیایی با ابزارهای سیاسی و اقتصادی همچنان سعی در گسترش حوزه نفوذ خود دارد. یکی از این ابزارها نفوذ در منطقه استراتژیک قطب قدرت مقابل یعنی ایالات متحده است.

نفوذ در عرصه‌های استراتژیک بازیگر مقابل یکی از ابزارهای قدرت‌ها جهت دستیابی به حداکثر منافع و برنده شدن در بازی قدرت در سیاست بین‌الملل است. چین پس از گسترش مناسبات خویش با دولت‌های آسیایی، اروپا، آفریقا و البته ابتکار مهم و غیرقابل چشم‌پوشی یک کمربند، یک جاده اکنون در پی گسترش نفوذ خود به حیات خلوت ایالات متحده در خاورمیانه یعنی اسرائیل برآمده است. گسترش روابط و تعاملات در سطح دیپلماتیک دو کشور از ۱۹۹۲ آغاز و اکنون در ابعاد گوناگون قابل توجه است. برحسب نوع نگرش فرضیات متفاوتی که در قسمت‌های مختلف مقاله در جایگاه فرضیه رقیب قرار می‌گیرند قابل بررسی است اما پرسشی که به جهت وجود نگرش امنیت محور به ذهن متبادر می‌شود این است که «پیامدهای امنیتی گسترش حوزه نفوذ چین در اسرائیل برای ایالات متحده کدام‌اند؟» در پاسخ می‌توان گفت «تعاملات روبه رشد چین و اسرائیل دربردارنده تهدیدات امنیتی برای ایالات متحده خواهد

بود که در چند بعد فناورانه، زیرساختی، اقتصادی تجاری و سایبری قابل بررسی است» نوشتار درصدد تبیین ابعاد تهدیدات امنیتی است که روابط و تعاملات روبه گسترش چین و اسرائیل برای ایالات متحده ایجاد می‌کند که در قالب سناریوهای امنیتی در چند وجه همپوش تشریح خواهد شد. به جهت ساختار بندی پس از پیشینه و مروری بر ادبیات موضوع به چارچوب تئوریک در قالب معمای امنیتی، در قسمت سوم به حضور چین در خاورمیانه و به تبع آن مناسبات با اسرائیل، در قسمت چهارم به بررسی سناریوهای امنیتی این تعاملات همه‌جانبه برای ایالات متحده و در نهایت ارائه نتیجه و راهبرد نگاشته می‌شود

۱. پیشینه پژوهش

در دهه کنونی مقالات متعددی با محوریت مناسبات چین با کشورهای مختلف در طیفی از اقتصادی تا سیاسی و نظامی توسط پژوهشگران و اساتید داخلی همچون شریعتی نیا، سازمند، بهرامی مقدم تدوین شده اما نوشتاری که به‌طور مبسوط و کامل به بررسی فرضیه مقاله کنونی پرداخته باشد در زمان نگارش مقاله یافت نشده است. در کتب و مقالاتی چند به مفاهیم و مؤلفه‌های موضوع پرداخته شده که در ذیل به‌مرور این منابع می‌پردازیم.

مقالاتی که بر شاخص تعاملات چین و اسرائیل تأکید داشته از جمله اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال اسرائیل (sheykholeslami, 2020) با توجه به محدودیت‌های اعمالی از سوی ایالات متحده، عامل مؤثر در سیاست خارجی چین در قبال اسرائیل را کسب فناوری می‌داند. تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین (shariatinia, 2015) که تعاملات نظامی اسرائیل با چین را با نوعی بن‌بست مواجهه می‌داند. چین و اسرائیل تجارت راهبردی، بازیگران ثالث (shariatinia, 2010) تجارت راهبردی و بازیگران ثالث را عوامل شکل‌دهنده و پایدار در روابط این دولت‌ها می‌داند.

راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی (Amirahmadian, 2013)، تبیین سیاست موازنه سازی منطقه‌ای چین در خاورمیانه (Arghavani Pirsalam, 2019)، جایگاه غرب آسیا در سیاست خارجی چین تا ۲۰۱۷ (Adabi, 2017) از جمله مقالاتی هستند که به بررسی گسترش حضور چین در آسیای غربی و مرکزی و خاورمیانه پرداخته‌اند.

برخی بر اهمیت رقابت چین و ایالات متحده تأکید داشته و با توجه به این نکته به ابعاد ارتباط این دولت‌ها پرداخته‌اند از جمله تأثیر قدرت‌یابی چین بر رقابت با آمریکا (Vosoughi, 2019) که نهایتاً به درگیری‌های بیشتر و تقابل منافع دو قدرت مذکور منجر خواهد شد. تبیین رقابت‌های چین و آمریکا در

چارچوب نظریه چرخه قدرت (Mazaheri, 2009) که مجموعه‌ای از متغیرها را باعث ایجاد و تداوم رقابت بین این دو می‌داند و یا افزایش قدرت چین و واکنش ایالات متحده و هند در برابر آن (Asgharkhani, 2013) و خیزش نظامی چین و چالش‌های پیشروی هژمونی آمریکا (Basiri, 2012) که واکنش ایالات متحده در مقابل قدرت‌گیری نظامی چین را در دو استراتژی مهار و مشارکت به این معمای امنیتی می‌داند.

مقالاتی نیز بر وجه تاریخی تأکید بیشتری داشته و روابط چین و ایالات متحده را بیشتر به جهت سیر تاریخی و در قالب دو دوره زمان جنگ سرد و پسا جنگ سرد بررسی نموده و وجه همکاری روبه گسترش این رابطه دوجانبه بسیار جدی و محتمل دانسته است. یا مقاله مواجهه چین و غرب مدرن: امتناع، یادگیری و دگرگونی (Bahramimoghadam, 2019) که به رهیافت‌ها و سیاست‌های چین در مواجهه با دولت‌های مدرن غربی متمرکز است.

مقالات انگلیسی‌زبان چندی نیز به بررسی روابط و تعامل چین و اسرائیل پرداخته شده که اغلب آن‌ها پیش از ۲۰۱۶ تدوین شده‌اند به چند مطلب نگاشته شده توسط نشریات و مؤسسات معتبر می‌توان پرداخت. در مجموعه مقالات (روابط اسرائیل و چین؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، ۲۰۱۸) و (ارزیابی تعاملات اسرائیل و چین، ۲۰۱۹) و (روابط اسرائیل و چین؛ چشم‌انداز آینده، ۲۰۱۴) به مواضع و اهداف سیاسی چین در منطقه با منافع اسرائیل پرداخته و آن‌ها را در تضاد و چالش این تعامل را بیشتر برای اسرائیل دانسته. Kumaraswamy از محققینی که مقالاتی چند در حیطه این تعامل نگاشته در مقالاتی چون (چین، اسرائیل، ایالات متحده؛ مثلث پرابلماتیک، ۲۰۱۳) و (پیوند چین و اسرائیل؛ واکنش‌گن دیگری سوم، ۲۰۰۶) تعامل میان چین و اسرائیل را در زیر سایه استراتژیک و حضور مهم ایالات متحده می‌داند که در نوشتار فارسی نیز توسط محققین به این جنبه توجه شده است. در مقاله (گام نوین روابط اسرائیل و چین؛ حیطه استراتژیک محدود، ۲۰۱۸) آینده روابط حمایتی بین دو کشور را با توجه به وابستگی قابل توجه اسرائیل به واشنگتن و سایر مناطق بسیار حساس دانسته است.

هدف مقاله که نوآوری آن محسوب می‌شود بررسی پیامدهای امنیتی حضور روبه گسترش چین در اسرائیل برای ایالات متحده است که در چند بعد تشریح شده قابل بررسی است. هرچند در مقالات اغلب غیرفارسی به ابعاد تعامل چین و اسرائیل و به‌طور کلی با خاورمیانه پرداخته شده اما در قالب نگاهی امنیت محور برای ایالات متحده و با بهره از چارچوب مفهومی معمای امنیتی و بررسی پیامد امنیتی این تعامل روبه گسترش بالأخص در چهار سال اخیر پرداخته نشده که این مهم با توجه به تأثیر غیرقابل انکار آن بر منطقه

هدف مقاله مدنظر است. تمام مقالاتی که در دهه کنونی تعاملات اسرائیل و چین را مدنظر قرار داده‌اند به پیامدهای امنیتی آن برای ایالات متحده پرداخته‌اند؛ هدفی که در این مقاله مدنظر نویسندگان است

۲. چارچوب نظری پژوهش

اگر از دیدگاه واقع‌گرایانه به موضوع نگاه کنیم، درمی‌یابیم که چین در قالب یک نظم تک‌چندقطبی^۱ در پی افزایش قدرت و توانمندی خویش، به‌ویژه در حیطه اقتصادی، است. مفهوم تک‌چندقطب بیان می‌کند که ایالات متحده، از یک سو، و قدرت‌های منطقه‌ای همانند چین در آسیای شرق از سوی دیگر، در رقابتی سخت برای گسترش نفوذ خود به سر می‌برند. با توجه به فرضیه مطرح‌شده، چین و ایالات متحده امروزه درگیر شرایط نوینی هستند که در قالب نظریه معمای امنیت نیز قابل‌پردازش است. نظریه معمای امنیت، برای تبیین برخی از چالش‌ها در سیاست بین‌الملل به کار گرفته شده است که در ادامه معنی و چگونگی کاربرستی این نظریه را بررسی کرده‌ایم.

۲-۱. معمای امنیت^۲

معمای امنیت، یکی از مهم‌ترین ایده‌های نظری هربرت باترفیلد، جان هرترس و رابرت جرویس^۳ در عرصه روابط بین‌الملل است. معضل امنیتی موضوعی مشترک با واقع‌گرایی دفاعی است و از همین رو، معمای امنیت، امکان همکاری واقعی بین دولت‌ها را فراهم می‌کند. البته در هریک از نظریه‌های نئولیبرال، لیبرال‌ها، و سازه‌گرایان، به‌نحوی به این مفهوم پرداخته شده است (Tang, 2009: 588). مرشایمر بر این نظر است که دلایلی اعم از وجود آنارشی، توانایی و ظرفیت نظامی تهاجمی دولت‌ها، و ناآگاهی دولت‌ها از نیت‌های یکدیگر، سبب هراس آن‌ها از همدیگر می‌شود. توسعه قدرت، سبب برانگیخته شدن ترس و در نتیجه، آشوب در یک محیط آنارشیک می‌شود. این معضل برای دولت‌ها نوعی خلأ امنیتی ایجاد می‌کند و به این ترتیب، معمای امنیت به صحنه روابط بین‌الملل می‌آید (Auten, 2008: 30)؛ به بیان روشن‌تر در آنارشی، طرفین، دولت‌های دفاعی واقع‌گرایانه هستند؛ یعنی قصد ندارند امنیت یکدیگر را تهدید کنند، اما نمی‌توانند از اهداف فعلی یا آینده یکدیگر مطمئن باشند. در نتیجه، هریک از آن‌ها نگران این است که

۱. این مفهوم نخستین بار توسط استفان والت ارائه شده است.

۲ Security Dilemma

۳ Herbert Butterfield, John Hertz and Robert Jervis

دیگری یک درنده باشد یا به آن تبدیل شود و چون قدرت، وسیله‌ای برای تأمین امنیت است، هر دو در پی انباشتن قدرت بیشتر و بیشتر هستند. از آنجا که حتی توانایی دفاعی بی‌تردید دارای برخی از قابلیت‌های تهاجمی خواهد بود، بسیاری از اقدامات اتخاذ شده توسط یک طرف برای امنیت خود، می‌تواند نوعی تهدید باشد، یا تهدید امنیت طرف مقابل به‌شمار آید؛ در نتیجه، طرف مقابل ممکن است اقدامات مقابله‌ای را علیه این اقدامات دفاعی انجام دهد. تعامل این اقدامات و اقدامات متقابل، سبب تقویت ترس و نااطمینانی آن‌ها درباره اهداف یکدیگر و ایجاد یک چرخه معیوب می‌شود. این چرخه معیوب می‌تواند سبب درگیری غیرضروری و در نتیجه تهدید جنگ یا جنگ شود (Tang, 2009: 592).

دولت‌ها در وضعیت رویارویی با هژمونی می‌توانند راهبردهای دنباله‌روی یا موازنه (نرم یا سخت) را در پیش بگیرند. موازنه یا دنباله‌روی، نتایج گوناگونی را در پی دارد. ایدئولوژی، به‌عنوان تشدیدکننده موازنه سخت یا نرم و دنباله‌روی نرم، سخت مطرح است. رقابت میان هژمونی و قدرت بزرگ منطقه‌ای برای گسترش نفوذ در مناطق، رخ خواهد داد (Simbar, 2016: 92). نتیجه‌گیری نظری محوری واقع‌گرایی ساختاری این است که دولت‌ها در وضعیت آنارشی به همراهی یا دنباله‌روی (روی نمی‌آورند، بلکه موازنه ایجاد می‌کنند. موازنه‌سازی، رسیدن به دستاوردهای نسبی را تعقیب می‌کند. باید ببینیم که آیا دستاوردهای ما بر دستاوردهای دیگران که در آنارشی باید به‌عنوان دشمنان بالقوه قلمداد شوند، می‌چربند یا خیر (Burchil, 2014: 56).

جرویس بر چند بعد تأکید می‌کند که عبارتند از اینکه منشأ ساختاری معمای امنیت و پویایی آن، اهمیت نااطمینانی و ترس ایالات متحده از اهداف فعلی و آینده دیگران (قدرت‌های منطقه‌ای) برای شکل‌گیری و حفظ معمای امنیت که این امر ناشی از اقدامات دفاعی است؛ بنابراین ناخواسته به‌سوی نتایج خودشکنانه گرایش می‌یابد؛ به این معنا که سبب کاهش امنیت خود می‌شود. معمای امنیت می‌تواند سبب جنگ شود، اما علت همه جنگ‌ها نیست. نکته مهمی که او بر آن تأکید می‌کند، این است که شدت معمای امنیت را می‌توان از طریق عوامل مادی (فناوری، جغرافیا) و عوامل روانی ادراکی تنظیم کرد (برداشت‌های نادرست) (Tang, 2009: 590).

معمای امنیت، هنگامی حادث می‌شود که دفاع از مزیت برخوردار و اعمال آن نسبتاً آسان باشد؛ به این ترتیب، کشوری که پیوسته در معرض غلبه دیگری است، به دیگران مشکوک‌تر خواهد بود و

به احتمال زیاد، حرکت‌های دیگران را نوعی تعرض تفسیر می‌کند. در مقابل، دولت‌های نسبتاً امن، می‌توانند نگاه آرام‌تری به تهدیدات داشته باشند؛ بر این اساس، آنچه را *توماس شلینگ* اترس متقابل از حمله غافلگیرانه می‌نامد، انگیزه‌ها برای مسابقات تسلیحاتی در طولانی‌مدت و انگیزه‌ها برای نخستین حملات پیشگیرانه در کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد. در این شرایط، فناوری عامل دیگری است که تعیین می‌کند، آیا حمله از برتری برخوردار است یا خیر (Dowding, 2017: 3). همچنین، نوع رژیم ممکن است بر شدت معضل امنیتی تأثیر بگذارد. هنگامی که دو رژیم اقتدارگرا یا یک رژیم دموکراتیک و یک رژیم خودکامه با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند، معمای امنیت محتمل، از کنترل خارج می‌شود؛ زیرا، هر طرف، حرکت طرف دیگر را نوعی تهدید بالقوه به‌شمار می‌آورد (Wivel, 2011: 4).

به این ترتیب، بازیگران در رویارویی با نااطمینانی، احتمالات را تعیین و با تنظیم باورهای اولیه خود درباره پذیرفتنی بودن یک رویداد با توجه به شواهد جدید، آن احتمالات را به‌روز می‌کنند و سود موردانتظار خود را به بیشترین میزان می‌رسانند. تصمیم‌گیرندگان ممکن است درک متفاوتی از روابط با کشورهای دیگر جهان داشته باشند؛ به این معنا که توزیع احتمالات مختلفی بر روی نتایج احتمالی دارند (به‌عنوان مثال، در ایالات متحده درباره تهدید ناشی از چین اختلاف نظر وجود دارد)؛ اما با وجود اختلاف‌های ذهنی، این نظریه فرض می‌کند که بازیگران همیشه از دانش کافی برای تعیین احتمالات و عمل منطقی برخوردارند (Mitzen, 2006: 350). با نگاهی به روابط ایالات متحده و چین و فرضیه مطرح‌شده، درمی‌یابیم که این نظریه از سنخیت بیشتری برای تبیین ابعاد امنیتی تعاملات چین و اسرائیل برخوردار است.

۳. روش پژوهش

این مقاله با روش تحلیلی توصیفی به بررسی فرضیه مطرح‌شده می‌پردازد. در راستای این روش با بهره از ابزار کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات، گزارش‌ها و مطالب به‌روز که از طریق سایت‌های تحلیلی قابل دسترسی هستند بهره گرفته شده است.

۴. حضور چین در خاورمیانه؛ الزامات و راهبردها

^۱ Thomas Schelling

^۲ Reciprocal Fear of Surprise Attack

می‌توانیم خاورمیانه را از مهم‌ترین مناطق مورد توجه چین بالأخص در دهه اخیر بدانیم. اگر پیچیدگی این منطقه را مدنظر قرار ندهیم، موقعیت فرا راهبردی آن منبع قابل توجه برای چین است که به‌ویژه در چند سال اخیر با توجه به اهدافی که در سیاست خارجی حزب کمونیست تعریف شده و در نوع عملکرد گسترش یابنده آن بروز یافته؛ منطقه‌ای جهت تأمین اهداف سیاسی چین تعریف می‌شود.

روابط این کشور با خاورمیانه پس از اجرای طرح ابتکار یک کمربند یک‌راه در ۲۰۱۳ وارد مرحله جدیدی شد. در نشست عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، پکن خاورمیانه را همسایه چین معرفی کرد که بیانگر آن است که این منطقه در حال حاضر از اولویت‌های بالا در حیطه ژئواستراتژیک چین به حساب می‌آید. مصر، اسرائیل، اردن از کشورهای حائز اهمیت در طرح ابتکاری این کشور هستند. بخش اعظم تجارت و سرمایه‌گذاری چین در این منطقه شامل تمرکز روی انرژی، زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در برق هسته‌ای، منابع انرژی نوین، کشاورزی و تأمین مالی می‌شود. تلاش‌های نظامی چین در خاورمیانه عمدتاً در خدمت اهداف اقتصادی این کشور هستند (Wermoth, 2019:8).

از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ چین ۷۰۰ میلیارد دلار در خاورمیانه سرمایه‌گذاری کرده است و این افزایش ۱۷۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. این بودجه عمدتاً در زمینه‌های انرژی، صنعت، حمل‌ونقل و دفاعی هزینه می‌شد. سرمایه‌گذاری‌های انرژی چین در مصر، یونان و اردن به ۱۹/۸۷ میلیارد دلار رسید (در سال ۲۰۰۵) در حالی که سرمایه‌گذاری‌های آن در حمل‌ونقل برای مصر، یونان و اسرائیل در مدت مشابه ۲۱/۲۹ میلیارد دلار بود (Toolan, 2020). چین سرمایه‌گذاری‌های بزرگ صنعتی در امارات متحده عربی یکی دیگر از متحدان ثروتمند ایالات متحده، انجام داده همچنین پکن در پروژه‌های انرژی و راه‌آهن در مصر و بندرها و کارخانه‌های ماشین در تونس سرمایه‌گذاری کرده است. این شرکت همچنین در بازسازی سوریه و در بخش نفت عراق شرکت می‌کند (Gilsinan, 2019).

این کشور حضور در بحران‌های منطقه را ابزاری برای تحقق هدف خود می‌داند. از ۲۰۱۳ و در بهار عربی چین فرصتی را برای ایجاد جایگاه خود در خاورمیانه فراهم کرد. هرچند همانند پیشنهادهاى مربوط به مسئله فلسطین، ابتکار عمل چین در مورد سوریه نیز یک طرح بود اما برخلاف مسئله فلسطین، در این مورد چین موضع مشخصی داشت و سیاست منفعلانه گذشته را با مشارکت فشرده‌تر در منطقه جایگزین کرد. جدا از اهمیت ژئوپلیتیک انرژی منطقه برای چین یکی از جنبه‌های سیاست جدید خاورمیانه آن در کنار قانون اجازه عملیات ضد تروریستی در خارج از مرزهای خود (۲۰۱۵)، اعلام تأسیس مجمع صلح خاورمیانه است که به تغییر رویکرد آن در خاورمیانه اشاره دارد (Yelliek, 2016:4).

چین با تبدیل روابط اقتصادی به نفوذ سیاسی و البته دستیابی به قدرت نرم، روابط نزدیک با کشورهای این مناطق را گسترش داده و در پی تثبیت جایگاه استراتژیک خود است. از سمت دیگر مدل توسعه چین برای کشورهای خاورمیانه جذاب است چراکه کشورهای عمده در آن از سود بیشتری برخوردار خواهند شد و این خود حضور چین در منطقه را تقویت می‌کند. ویژگی‌های منحصر به فرد خاورمیانه نیز این اهداف را تقویت می‌کند. بدان جهت که این منطقه تحت تأثیر قدرت‌های غربی است چین در تلاش است بدون آنکه عمیقاً خود را وارد درگیری‌های آن کند توازن را به نفع خود تغییر دهد. ویژگی دیگر تغییرات ساختاری تأثیرگذار بر منطقه است که فرصتی را برای چین فراهم می‌کند تا موقعیت دیپلماتیک خود را در آنجا بهبود ببخشد. این شرایط در جای دیگر وجود ندارد. از سوی دیگر ایالات متحده حضور روبه گسترش چین را در راستای برنامه استراتژیک مستحکمی برای رقابت با خود می‌پندارد.

چین راهبرد خود در خاورمیانه را از تکرار آنچه مداخله غربی می‌داند به دور داشته و روایتی از تعامل خنثی با همه کشورها حتی کشورهای که با یکدیگر اختلاف دارند بر اساس توافق‌های متقابل سودمند و در یک ثبات نسبی و حتی روبه افزایش (در ۹ ماهه ۲۰۲۰ حجم تجارت با ج.ا.ایران ۰/۳۴، عربستان ۴۹/۲)، عراق (۲۳)، عمان (۱۳/۵۹)، اسرائیل (۱۲/۶۶) میلیارد دلار) مطرح کرده است. این کشور تصویری از نظم چندقطبی در خاورمیانه مبتنی بر عدم دخالت و مشارکت با سایر کشورها دارد در واقع ثبات را از طریق توسعه صلح ترویج می‌کند تا مفهوم غربی صلح دموکراتیک (Lons, 2019: 8) این قدرت رو به رشد نظامی با سیاست اعلامی در قالب نیت‌های صلح‌آمیز امید بیشتری جهت تحقق اهداف خود دارد، هنگامی که دیپلماسی این کشور با راهبرد ارتباطات گسترده همراه با پیشرفت منافع ژئوپلیتیکی خود خودنمایی می‌کند، عرصه رقابت راهبردی را راحت‌تر می‌تواند به دست بگیرد (Levine, 2019). محوریت همکاری اقتصادی و توسعه تعامل چین با کشورهای خاورمیانه در دو سند مهم دولت چین؛ سند سیاست عربی ۲۰۱۶ و چشم‌انداز و اقدامات ۲۰۱۵ در ساخت مشترک کمر بند اقتصادی جاده ابریشم منعکس شده است (Lons, 2019: 4). در مقاله نخست ارتقا روابط چین و دنیای عرب به سطح جدید و بالاتر و قصد افزایش همکاری نظامی و مبادله با کشورهای عربی از جمله کارکنان سلاح‌ها و فناوری‌ها و همچنین افزایش همکاری برای مقابله مشترک با تهدید تروریسم بین‌المللی و منطقه‌ای و خواست به اشتراک‌گذاری اطلاعات اعلام شد.

در عمل، با توجه به اصول و ضوابط سیاست بین‌الملل چین برای تقویت سازوکارها و مؤسسات بین‌المللی در جهت مقابله با حرکت‌های بین‌المللی ایالات متحده اقدام می‌کند و در پی آن است تا

بلوک‌هایی را که با ایالات متحده هم ذات‌پنداری نمی‌کنند تقویت کرده و ارتباطات خود را با متحدان سنتی آمریکا مستحکم کند (بدین گونه می‌تواند وضعیت غیرقابل مخالفت آمریکا در برخی از مناطق را به نفع خود تعدیل کند) (Evron, 2017: 20).

چین به‌طور سنتی و قبل از دو دهه پیش حضور دیپلماتیک گسترده در خاورمیانه برای خود تعریف نکرده بود اما با تغییر نگاه سیاست‌های حزب کمونیست این رویکرد تعدیل شد تغییر به سمت آسیای میانه و خاورمیانه ممکن است تا حدی بر خواسته از نگاه امنیتی حاکم بر ساختار روابط و تلاشی برای بررسی و متعادل‌سازی اقدامات غربی در خاور دور باشد. در واقع درست همان‌طور که ایالات متحده چین را به‌عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب و با نگاهی امنیتی می‌داند اقدامات ایالات متحده برای تقویت اتحاد با استرالیا ژاپن و فیلیپین و همچنین مالزی، سنگاپور و ویتنام باعث خستگی چین شده است. بدین ترتیب چینی‌ها کاملاً روشن کردند که دیگر روند صلح خاورمیانه را تنها به ایالات متحده و اروپا واگذار نخواهند کرد. به نظر می‌رسد چین با ایجاد تغییر در اجرای سیاست خارجی خود در پی آن است نه تنها به‌عنوان یک قدرت اقتصادی بلکه به‌عنوان یک مقام دیپلماتیک برجسته ظاهر شود.

چین در مدیریت روابط با ایالات متحده در تلاش برای اصلاح نظم جهانی بدون به خطر انداختن ثبات استراتژیک و سیستم تجارت آزاد به‌عنوان نظم پایدار برای پیشبرد اصول سیاسی، وضعیتی و منافع جهانی خود با احتیاط و استوار عمل کرده است (Evron, 2017: 26) باید بدین نکته نیز توجه داشت که نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه همچنان قابل توجه بوده و بر اعمال هرگونه اصلاحات لازم را در سیاست خود در آنجا قادر است. با تداوم بی‌ثباتی در خاورمیانه انتظار کاهش نفوذ آمریکا در منطقه نمی‌رود امری که چین جهت حفظ ثبات تقریبی برای تحقق اهداف خود بدان نیازمند است. از طرف دیگر مقامات امنیت ملی آمریکا به دولت‌ها در مورد خطرات اجازه سرمایه‌گذاری چینی‌ها در کشورهایشان هشدار می‌دهند؛ اما اکنون وزارت دفاع نگران سرمایه‌گذاری چین در یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا یعنی اسرائیل است

۵. تاریخچه روابط چین و اسرائیل

اگر به وجود روابط پیش از تشکیل جمهوری خلق میان طرفین نپردازیم، اسرائیل نخستین کشور خاورمیانه بود که نظام سیاسی نوپای چین (جمهوری خلق چین) را به رسمیت شناخت. کمک اسرائیل به چین در جنگ کوتاه‌مدت چین و ویتنام سرآغاز رایزنی دو کشور جهت برقراری ارتباط طولانی بود (Shariatinia, 2010: 51). به رسمیت شناختن اسرائیل توسط چین در بحبوحه جنگ کره به گونه‌ای که توسط اسرائیل صورت گرفت نبود با حمایت اسرائیل از قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد جنگ به‌طور

غیرمستقیم با چین مقابله کرد. بدین گونه روابط دو کشور بخشی جدایی‌ناپذیر از دامنه ملاحظات جهانی بود اما در سایر حوزه‌ها اسرائیل سیاست قبلی خود را در داشتن سیاستی مطلوب نسبت به چین دنبال کرد. در ۱۹۵۳ با کاهش تنش کره و انجام گفتگو روابط عملی و سازنده شد و ایده همکاری اقتصادی و تجاری به‌طور فزاینده‌ای بین آن‌ها آشکار شد اما با کنفرانس آفریقایی آسیایی ۱۹۵۵ و نزدیکی چین به دولت‌های عربی چون مصر و در ادامه جنگ سوئز روابط برای مدت طولانی منجمد شد (Shay, 2014: 70-73).

روابط امنیتی چین و اسرائیل پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ با فروش تسلیحات نظامی اسرائیل به چین در تنش میان جمهوری خلق و ویتنام آغاز شد. با تحولات تازه‌ای که در صحنه دیپلماتیک عرب و اسرائیل رخ داد زمینه را برای بهبود همکاری چین و اسرائیل هموار کرد. تعاملات چین و اسرائیل بر روابط نزدیک بین تأسیسات نظامی و فروش صنعت دفاعی اسرائیل (که قبلاً از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود) مبتنی بود. با توجه به کاهش مؤلفه دفاعی نظامی به دنبال بحران‌های ناشی از فروش هواپیماهای فالکن و هارپی که به علت فشار آمریکا بر اسرائیل مبنی بر لغو این قرارداد فروش یک میلیارد دلاری بود، بر همکاری فشرده کشاورزی متمرکز شد که از زمان برقراری روابط، هسته اصلی فعالیت مأموریت‌های دیپلماتیک اسرائیل در چین نیز بود (Orion, 2019: 11). فشار ایالات متحده بر لغو قراردادهای نظامی در نتیجه منجر به اختلاف دیپلماتیک اساسی بین اسرائیل و چین شد. نتیجه خروج اسرائیل از این دو معامله بلندمدت به دلیل فشار آمریکا کاهش شدید روابط بین چین و اسرائیل بود که تاکنون همکاری‌های امنیتی را تحت تأثیر قرارداد داده است. احیای روابط امنیتی چین و اسرائیل تنها در مارس ۲۰۱۰ بود که مقامات نظامی چین و هم‌تایان اسرائیلی آن‌ها رابطه امنیتی را احیا کردند (segev, 2018).

در ۱۹۹۱ روابط چین و اسرائیل با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تلاش چین برای مدرنیزاسیون و اعتماد آن به توانایی اسرائیل در پیشبرد این هدف و جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و آگاهی چین از اینکه بدون روابط کامل دیپلماتیک، اسرائیل به‌سادگی از پذیرش پکن به‌عنوان یک قدرت قانونی امتناع می‌ورزد؛ بسیار نزدیک شد. در ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک میان دو کشور برقرار شد که در ابتدای امر از وجه متناقضی به جهت سعی در حل منازعه فلسطین و اسرائیل برخوردار بود (Evron, 2017: 9). به‌طور کلی از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ و ماجرای هارپی روابط دوجانبه و روابط تجاری بین دو کشور به‌صورت ناهموار پیش رفت؛ اما با سفر ایهود اولمرت (نخست‌وزیر وقت اسرائیل) در ۲۰۰۷ به چین مسیر روابط به جهت تجاری و اقتصادی مشخص شد و در ۲۰۱۰ بهبودی سریع با رشد ۴۸ درصدی به ۷۸/۶ میلیارد دلار رسید. اولین سرمایه‌گذاری قابل توجه چین در اسرائیل زمانی بود که شرکت ملی شیمی چین تولیدکننده محصولات این حوزه در

اسرائیل را در ۲۰۱۱ خریداری نمود؛ که به مرور بیشتر شده است (kuo,2018).

۶. تقویت تعاملات چین و اسرائیل

می توان ۲۰۱۲ را نقطه عطفی در روابط چین و اسرائیل دانست. در ۲۰۱۲ با دیدار دوستانه نیروی دریایی چین در بندر حیفا و در ادامه سعی مقامات اسرائیلی در حل مسئله حساس سرمایه گذاری های خارجی در چین و کمک به شرکت های اسرائیلی برای نفوذ به بازار چین در ۲۰۱۳ طرفین تصمیم گرفتند که گروه کاری ویژه برای مطالعه همکاری های اقتصادی و اجتماعی دو جانبه تشکیل دهند و در دیدارهای خود بر لزوم ایجاد شرایط مطلوبی که امکان آغاز مجدد مذاکرات دو طرف باهدف پیشبرد صلح در کل منطقه را فراهم می کند تأکید کردند. اسرائیل چین را موتور اساسی برای ادامه رشد اقتصادی خود دانست (Shay,2014: 80). تعامل میان دو کشور از دسته ارتباطات نوین نبوده و همان طور که در قسمت قبل آمد دارای پیشینه طولانی است اما آنچه موجب تمرکز بر این تعاملات شده تقویت این روابط است اکنون چین به عنوان رقیب اقتصادی ایالات متحده هدفمندتر از پیش این روابط را گسترش می دهد.

چین علاقه مند به دسترسی مستمر به فناوری های پیشرفته اسرائیل به ویژه در زمینه های کشاورزی ارتباطات از راه دور و دفاع است. بزرگ ترین صادرات اسرائیل نیز به چین در همین حوزه است. منافع چین ناشی از تعدادی از منابع اسرائیل از جمله نوآوری در زمینه های مختلف از جمله توسعه سامانه های تسلیحاتی، کشاورزی و تولید مواد غذایی است مسئله ای که در یک کشور متمرکز مانند چین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اسرائیل نیز مانند سایر کشورها درک درستی از پتانسیل اقتصادی عظیم چین داشته و تلاش های خود را بر توسعه روابط اقتصادی دو جانبه قوی متمرکز کرده است (Eran,2019:104). چین اسرائیل را به عنوان یک مرکز جهانی فناوری ارزیابی کرده و به رسمیت می شناسد و آن را به عنوان یک شریک اقتصادی می بیند. همان طور که رئیس جمهور چین، شی جینپینگ در دیدار خود با نخست وزیر اسرائیل در ۲۰۱۷ اسرائیل را به عنوان کشوری نوآور و مشهور در جهان برشمرده و حوزه نوآوری و فناوری را حوزه تمرکز دو کشور دانست (Orion,2019:14).

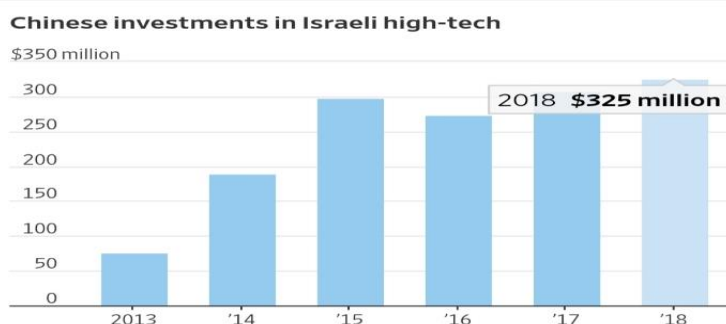
چین قصد دارد مدل اقتصادی خود را از مدلی مبتنی بر تولید به مدلی مبتنی بر نوآوری و افزایش زنجیره ارزش تولید مبدل کند. از سوی دیگر اسرائیل و چین هم تمدن های باستانی و هم کشورهای جدید هستند و دارای وجوه اشتراک بسیاری اعم از احترام به سنت و خانواده و تأکید بر آموزش هستند. اسرائیل به یک مقصد گردشگری جذاب برای طبقه متوسط روبه رشد چین تبدیل شده است که تعداد گردشگران از چین در سال ۲۰۱۷ تقریباً از سال ۲۰۱۵ به سه برابر افزایش یافته است (kuo,2018). مجموعه این عوامل

در گسترش تعاملات دو کشور بسیار مؤثر افتاده است.

از سوی دیگر از ۲۰۱۵ اسرائیل به واسطه جایگاه مهم در ابتکار کمربند و جاده چین، به یکی از اعضا اصلی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا به رهبری چین شد. برگزاری جلسه وزیران دو کشور در ۲۰۱۷ گروه کاری از وزارتخانه‌ها در اوایل سال ۲۰۱۸ در اورشلیم تشکیل شده و بر دستور کار همکاری در زمینه‌های آب، کیفیت هوا و تصفیه پسماندهای جامد و تشکیل هم‌اندیشی حرفه‌ای و تجاری و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست و توسعه تأکید شد و برنامه کار تا ۲۰۲۱ مشخص شد (Orion, 2019: 17). سرمایه‌گذاری عظیم چین می‌تواند به تنوع‌بخشی منابع سرمایه کمک کرده و همکاری این دو کشور می‌تواند به شرکت‌های اسرائیلی کمک کند تا وارد بازار روبه رشد چین شوند. در زمینه نوآوری و فناوری هم اکتشافات و پیشرفت فناوری را تسریع می‌بخشد. شرکت‌های سازنده چینی می‌توانند منبعی کم‌هزینه و کارآمد برای توسعه و تکمیل پروژه‌های اسرائیل باشند.

حجم سرمایه‌گذاری چین را ۱۰-۲۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اسرائیل دانسته‌اند (Mdeast, 2019)؛ که در حوزه استارت‌آپ‌های فناوری اسرائیلی در زمینه‌هایی مانند امنیت سایبری، سلامت دیجیتال و فناوری‌های اتومبیل انجام شده است (Estrin, 2019). همان‌طور که در نمودار ذیل آمده، نرخ سرمایه‌گذاری چین در فناوری‌های با فناوری بالا (های تک) در اسرائیل با سیر افزایشی تا اواخر ۲۰۱۸ به بالاتر از ۳۲۵ میلیون دلار رسیده است.

نمودار شماره (۱). سرمایه‌گذاری چین در حوزه فناوری (های تک) اسرائیل



Source: Schowitz, 2019

اسرائیل احتمالاً بدون از دست دادن میزان چشمگیری از حمایت امریکا نمی‌تواند از دستاوردهای سرمایه‌گذاری‌های چین بهره‌مند شود. در ژانویه ۲۰۲۰ ایالات متحده هشدارهایی مبنی بر اینکه دولت یهود باید از چین فاصله بگیرد به اسرائیل داد (Novak, 2019). امریکا متحدی بی‌جان‌ترین برای اسرائیل است و

چین، شریکی اقتصادی که سبب رونق اقتصاد اسرائیل شده است. البته شرایط موجود می‌تواند به نفع چین باشد که نه تنها به دستیابی به فناوری‌های جدید نظامی، بلکه به دانش گسترده‌تری مانند انجام جنگ ضد تروریسم منطقه‌ای که اسرائیل دارای تجربه عملیاتی غنی‌ای در آن است، علاقه‌مند است. اسرائیل باید متوجه خطر بی‌توجهی به نتایج ناخواسته توسعه این روابط باشد. در کنار اهداف مثبت راهبردی، باید توجه داشت که این روابط چه تأثیری بر بافت روابط اسرائیل با کشورهای دیگر و در رأس آن‌ها آمریکا دارد.

۷. پیامدهای امنیتی تعامل دوجانبه چین و اسرائیل برای ایالات متحده

چین در مواضع رسمی خود بر راهبرد این کشور که توسط حزب تعیین می‌شود، تأکید کرده و اعلام داشته که قرارگیری در جایگاه هژمونی سیاسی را مدنظر ندارد؛ اما رشد اقتصادی روبه‌صعود آن نکته‌ای قابل‌انکار نیست هدفی که این کشور با سیاست‌ها و طرح‌های خویش و ابزارهای گوناگون در پی آن است و حضور و حفظ جایگاه خود را در گرو تأمین آن اهداف می‌داند. در قسمت قبل به تعاملات گسترش‌یافته چین چه در خاورمیانه و چه در اسرائیل پرداخته شد؛ مناسبات گسترش‌یافته‌ای که ایالات متحده به‌عنوان هژمون در دهه کنونی و بالأخص از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ اقدامات چین را تضعیف امنیت و تضعیف جایگاه اقتصادی خویش پنداشته و به مقابله با آن پرداخته. هرچند حضور چین در خاورمیانه خاستگاهی طولانی دارد اما نفوذ این کشور در حوزه منافع حیاتی ایالات متحده (اسرائیل) به‌ویژه با قدرت‌جویی چین امنیتی دوچندان برای ایالات متحده یافته، مسئله‌ای غیرقابل‌چشم‌پوشی که با وجود سیاست‌های حمایت‌گرایانه دولت ترامپ (تا ۲۰۲۰)، اسرائیل را نیز به تداوم این رابطه مصمم‌تر نموده است. در این خصوص باید نوشت که هرچند از نظر برخی ایالات متحده دوست و حامی و همراه طلایی و چین همکار نقره‌ای اسرائیل است اما ایالات متحده با دیدی امنیتی بدان می‌نگرد. یکی از دلایل نگرانی مقامات آمریکا این است که پروژه‌های چین در اسرائیل با اثبات توانایی خود در دستیابی به استانداردهای زیربنایی اسرائیل به‌عنوان پله‌ای برای افزایش دسترسی به بازارهای اروپای غربی استفاده شوند. در سطور پیشین به تمایل ملل خاورمیانه جهت جذب و تداوم حضور چین اشاره شد اکنون باید گفت همین تمایل نیز تا حدودی به علت نیاز به یافتن تکیه‌گاهی محکم و قابل‌اعتمادتر از ایالات متحده در اسرائیل مشهود است. در واقع سیاست‌های چهار سال اخیر (تا ۲۰۲۰) این گونه بر اسرائیل محرز گردانید که جهت تحقق اهداف و منافع خود می‌تواند به دنبال متحدی نوین باشد که چین نمونه آن برای اسرائیل شد. در ذیل چند پیامد نشاء گرفته از حضور مستحکم چین در اسرائیل به‌عنوان حوزه‌ای که همواره ایالات متحده از آن به حیطة منافع ملی خود در خاورمیانه نام برده؛ به صورت مختصر بررسی می‌شود.

۸. ارزیابی تهدیدهای زیرساختی و فناورانه

مناسبات دو کشور با مشارکت شرکت‌های چینی در چندین پروژه زیرساختی بزرگ عمدتاً در زمینه حمل‌ونقل دریایی و زمینی در اسرائیل در حال گسترش است. با این حال اصلی‌ترین علاقه اقتصادی چین به اسرائیل در حوزه نوآوری است. فعالیت چینی‌ها در حیطه زیرساختی در اسرائیل به پیشرفت‌های مهمی در سال‌های اخیر به‌ویژه توسعه دو بندر اصلی اسرائیل حیفا و اشدود و راه‌آهن اسرائیل رسیده است. در پیشبرد برنامه‌های توسعه در این مناطق مانند برقرار کردن راه‌آهن از سواحل دریای مدیترانه به دریای سرخ لازم است روابط اسرائیل با کشورهای همسایه و سایر کشورهایی که در زمینه زیرساخت‌ها فعال هستند، در نظر گرفته شود. در کنار ملاحظات اقتصادی، سیاسی و حقوقی، نگرانی‌های ایالات متحده در اواخر ۲۰۱۸ و اوایل ۲۰۱۹ در زمینه تماس بندر نیروهای دریایی ایالات متحده در اسرائیل (و تماس‌های بندری در جای دیگر) به وجود آمده چراکه موضوع بازدیدهای دریایی ایالات متحده در بندرهای که شرکت‌های چینی در آن مشغول فعالیت هستند هنوز به‌طور دقیق مشخص نشده است. قابل ذکر است که شرکت‌ها در برخی بندرها ایالات متحده و در بندرها مدیترانه که محل تردد ناوگان ششم ایالات متحده است، فعال هستند (Eran, 2019: 106) با توجه به ملاحظات آمریکا نسبت به چین، مشارکت‌های اقتصادی و زیرساختی چین و اسرائیل می‌تواند در برخی زمینه‌ها تنش ایجاد کند. ضمن اینکه مشارکت دو کشور فراتر از پول و نقدینگی بوده و در حوزه تحقیق و توسعه نیز است. برای ایالات متحده انتقال فناوری نیمه‌هادی از اسرائیل به چین به دلیل پتانسیل استفاده دوگانه از آن نگران‌کننده و با بعدی امنیتی است چراکه از ترانه‌ها می‌توان در سامانه‌های تسلیحاتی و همچنین در تلفن‌های هوشمند استفاده کرد؛ امری که در چند سال اخیر و در جنگ تجاری با چین بسیار مورد توجه ایالات متحده بوده است.

اگرچه وزارت اسرائیل نسبت به صادرات فناوری دوگانه به چین احتیاط می‌کند، اما سرمایه‌گذاری‌های چین در فناوری اسرائیل و زیرساخت‌های حساس عمدتاً بدون نظارت انجام شده که می‌تواند اصطکاک‌هایی همانند اعلام مخالفت صریح و حتی بحران بین ایالات متحده و اسرائیل ایجاد کند (Eran, 2019: 142). اسرائیل به دنبال یک پروژه راه‌آهن سریع سیر با مشارکت چین است که تل‌آویو را در بخش مدیترانه‌ای را به دریای سرخ متصل خواهد کرد (Wermoth, 2019: 3). دو پروژه کنترل اسکله حیاتی اسرائیل که باید آن را در گروه بندرها بین‌المللی شانگهای دانست و گروه تونل راه‌آهن چین برای حفر تونل‌ها و بهره‌برداری از سامانه‌های الکترونیکی برای خط جدید راه‌آهن رفت و آمد تل‌آویو با سرمایه‌گذاری عظیم چین (Novak, 2019) در حوزه فعالیت‌های زیرساختی این کشور در اسرائیل است. سرمایه‌گذاری چین در شرکت‌هایی که روی نیمه‌هادی‌ها، هوش مصنوعی، ارتباطات ماهواره‌ای و

سایر فناوری‌هایی که کاربرد بالقوه دوگانه دارند، به جهت امکان نقل و انتقال فناوری این شرکت‌ها به کشور سرمایه‌گذار و البته آگاهی از توانایی چین در این خصوص و سابقه عملکرد ضعیف آن در این حیطه، بسیار مورد توجه اسرائیل و موجب نگرانی ایالات متحده است به جهت آنکه این نوع فناوری‌ها قابلیت بهره در صنایع نظامی چین را نیز دارند.

۹. ارزیابی تهدیدهای تسلیحات نظامی و امنیت سایبری

با توجه به حساسیت مسائل امنیتی و اهتمام اسرائیل به اجتناب از هرگونه تنش در روابط با آمریکا رونق همکاری‌های دو کشور در عرصه نظامی و امنیتی به‌اندازه عرصه بازرگانی و سرمایه‌گذاری نیست؛ اما اسرائیل تنها رژیم خاورمیانه است که مبادلات تسلیحاتی آن با چین متفاوت از سایرین است بدین معنا که برخی تسلیحات مورد نیاز آن به‌ویژه در حوزه سلاح‌های با فناوری پیشرفته را تأمین می‌کند (Shariatinia, 2016: 126).

تا زمانی که تلاش‌های اسرائیل و چین بر توسعه روابط در زمینه‌های کاملاً غیرنظامی متمرکز بود، هیچ تعارض منافع بین ایالات متحده و اسرائیل وجود نداشت. مشکل زمانی به وجود آمد که در ۱۹۹۹ که اسرائیل و چین برای فروش هواپیمای راداری به توافق رسیدند و به‌رغم اینکه هواپیما دارای قطعات یا فناوری‌های آمریکایی نبود، دولت آمریکا اسرائیل را مجبور به لغو این قرارداد و تهدید کرد که کمک‌های نظامی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. (Eran, 2019: 106) در دو قرارداد فروش سامانه دفاعی اسرائیلی به چین که فناوری آمریکایی داشت اختلافات اسرائیل و آمریکا به مرحله بحران رسید و اسرائیل ناچار به فسخ قرارداد شد. آمریکا فروش تجهیزات نظامی به چین را تهدیدی برای منافع خود و امنیت تایوان و دیگر متحدان آمریکا می‌داند. امری که منجر به تشکیل اداره ویژه برای بررسی قراردادهای امنیتی شد.

ساخت بندر جدید حیفا توسط شرکت چینی به‌عنوان بزرگ‌ترین پایانه کانتینری اسرائیل به‌واسطه قرار گرفتن پایگاه نظامی دریایی در آن به لحاظ استراتژیک و امنیتی اهمیت بسیار دارد. این پایگاه ستون فقرات نظام دفاعی اسرائیل در هرگونه درگیری نظامی دریایی با منطقه شمالی است و واگذاری این پروژه و اجاره آن به یک شرکت چینی موجب هشدار کارشناسان امنیتی و نظامی نسبت به دستیابی چین به اطلاعات حساس درباره پایگاه نظامی دریایی اسرائیل شده چین می‌تواند از این طریق به جزئیات مربوط به زیردریایی اسرائیلی که برای انجام مأموریت به قعر دریا فرستاده شده دست یافته که خود باعث اختلاف با آمریکا خواهد بود (Mdeast news, 2019). ایالات متحده علاقه‌مند به حضور نیروی دریایی خود در بندر

در آینده است اما نگرانی‌های امنیتی جدی در مورد ترتیبات اجاره بندر دارد (Portstrategy, 2019) چین این بندر را به‌عنوان معامله استراتژیک انجام‌شده ابتکار کمربند و جاده که فناوری پیشرفته درازمدت آن غنیمتی بسیار بزرگ‌تر از بندر هست می‌داند و احتمالاً همان‌طور که اعلام داشته برنامه‌ای برای اتصال بندر به اردن و به کشورهای خلیج فارس دارد.

هنجارهای گروه جهانی فضای سایبری که برای امنیت سایبری اساسی هستند را می‌توان اعم از عدم دخالت در هسته عمومی اینترنت، عدم پشتیبانی دولت‌ها از عملیات سایبری که قصد ایجاد اختلال در زیرساخت‌های فنی ضروری در انتخابات را دارد و لزوم ایجاد چارچوب‌هایی با رویه شفاف دانست (Nye, 2019). دستگاه امنیتی اسرائیل در طی مذاکرات با شرکت چینی نسبت به فعالیت‌های سایبری چین و امکان دشواری خنثی کردن آن‌ها از سوی اسرائیل هشدار داده بود. باوجود یگان‌هایی در دستگاه امنیت خارجی چین که تخصص آن‌ها در حملات سایبری به‌خصوص به فناوری دریایی کشورهای پیشرفته غربی (به‌خصوص ایالات متحده) است قرار داشتن بندر حیفا در دسترس چین شرایط را به جهت امکان بالا بردن تجسس کشتی‌های آمریکایی، سخت خواهد کرد (Mdeast news, 2019). این مسئله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که پیش‌تر اطلاعاتی حاکی از که ارسال داده‌های کاربران به سرورهای چین گزارش شده و نیز نیروی هوایی هند به کارکنان خود نسبت به استفاده از دستگاه‌های ارتباطی چینی هشدار داده است. سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فناوری در زمینه‌های ارتباط از راه دور و امنیت سایبری، مسائل مربوط به امنیت و حفظ حریم خصوصی داده‌ها را مطرح می‌کند. دسترسی به سکوه‌های ارتباطی از راه دور می‌تواند برای نظارت استفاده‌شده و داده‌هایی که توسط شرکت‌های چینی نگهداری می‌شود می‌تواند در معرض درخواست دسترسی دولت چین باشد (Eran, 2019: 117). ضمن آنکه موضوع جاسوسی سایبری به‌عنوان مسئله‌ای چالش‌برانگیز و در حال رشد در روابط ایالات متحده و چین است. به گفته مقامات ارشد سرویس‌های اطلاعاتی، چین در حال گسترش فعالیت‌های جاسوسی خود در سراسر جهان است (Kaveh, 2018: 97).

اسرائیل برخی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهان و البته تعامل دفاعی حساسی با ایالات متحده دارد. وزارت دفاع نگران میل چین به از بین بردن منافع نظامی ایالات متحده است. پنتاگون نگران است که شرکت‌های چینی بتوانند با سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی نسل جدید تسلیحات را تولید و ارتش آمریکا یا متحدان این کشور را تهدید کنند همچنین بیم آن می‌رود که چین از طریق اسرائیل به توانایی‌هایی دست یابد که به دلیل بازرسی‌های قانونی امکان دستیابی به آن برای چین وجود ندارد (bbc, 2018).

زمانی که به نظر می‌رسد که اتحاد مستحکم میان ایالات متحده و اسرائیل غیرقابل نفوذ بود، اکنون با

رسوخ چین این اتحاد با شرایط نوینی مواجهه شده است. اکنون چین با افزایش توان اقتصادی بودجه نظامی روبه فزونی اعمال کرده و ایالات متحده نیز بارها پکن را به پنهان کاری در مقدار بودجه نظامی متهم نموده است. افزایش بودجه نظامی با توجه به اینکه چین توسعه اقتصادی خود را در حیطه امنیت ملی تعریف می کند و دکترین نظامی نوینی برای خود تعریف کرده نگرانی ایالات متحده را برمی انگیزد. به نظر می رسد اسرائیل برخی تهدیدات غیرمتعارف را از طریق سامانه های دفاع موشکی، به کارگیری فناوری در دفاع سایبری و اقدامات امنیتی را کاهش داده است. این کشور توانسته خود را در حوزه طراحی قدرت نظامی و جلوگیری از حمله و دفاع از مرزهای خود به روز کند؛ پیامد امنیتی آن برای ایالات متحده بدین صورت است که بیم آن می رود که به مرور چین نقش امنیتی و نظامی مستحکمی در اسرائیل و با توجه به توافق نامه های صلح میان اعراب و اسرائیل (۲۰۲۰) و روابط همکاریانه چین با طرفین در خاورمیانه جایگاهی فراتر از بعد اقتصادی بیابد.

۱۰. ارزیابی تهدیدهای تجاری-اقتصادی

علاوه بر ابزارهای نظامی، چین در حال توسعه قدرت اقتصادی است که آن را به عنوان یک ابرقدرت پیشرو در بسیاری از زمینه ها تبدیل و قدرت مالی عظیمی را برای آن فراهم کرده است. به منظور تحقق اهداف اقتصادی چین، ابزارهای سیاسی اقتصادی نیز در قالب طرح یک کمربند، یک جاده به همراه بازوی مالی بانک سرمایه گذاری و زیرساخت آسیا قرار داده شده است. سرمایه گذاری سنگین چین در زیرساخت ها برای افزایش قدرت اقتصادی این کشور و جذابیت بین المللی این کشور در نظر گرفته شده است؛ اسرائیل یکی از ۵۱ عضو مؤسس این بانک است.

در همین حال ایالات متحده علاقه خود را به بخش غربی اقیانوس آرام افزایش داده است. بسیاری از صاحب نظران بر اهمیت روزافزون منطقه آسیا، اقیانوس آرام و اقیانوس هند تأکید کرده و ایالات متحده نیاز به منابع استراتژیک، دیپلماتیک و اقتصادی را به این بخش از جهان اختصاص داده است. این دیدگاه استراتژیک حتی در سند سالانه استراتژی امنیت ملی از دسامبر ۲۰۱۷ واضح تر شد. دولت ترامپ طی یک سال و نیم گذشته هشدارهای مکرر به اسرائیل داده و حتی خواستار لغو تعدادی از معاملات اقتصادی را که با پکن انجام شده است، بوده (Novak, 2019).

سفر نخست وزیر اسرائیل در مارس ۲۰۱۷ به چین شامل امضای بیش از ده توافقنامه در مورد مشارکت بود. این توافقنامه ها تنها بخشی از مجموعه روابط اقتصادی بین دو کشور را منعکس می کند (Orion, 2019: 115). چین برای پیشبرد منافع ژئواستراتژیک خود از قدرت اقتصادی بهره می برد و همچنین

توانسته روی رفتارهای شرکت‌های خصوصی و غیر چینی تأثیر بگذارد. این کشور شبکه لابی را برای انجام مناقصه توسعه داده که طرف اسرائیلی را برای فروش به چین و یا دفاع از سیاست‌ها یا مناقصات طرف چینی ترغیب می‌کند. در واقع می‌توان گفت که پشتیبانی سیاسی سطح بالا از روابط اسرائیل و چین در سطوح بالا سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد (Efron, 2020: 4).

در حالی که از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ میزان تعرفه بر کالاهای وارداتی چین روبه افزایش بوده و ایالات متحده در قالب رویکرد اقتصادی سیاسی خود موضع سختی در این باره داشته، آمار نشان می‌دهد که شرکت‌های اسرائیلی با خرسندی به پذیرش سرمایه‌گذاری چینی‌ها مایل‌اند. در ۲۰۱۶ سرمایه‌گذاری مستقیم چین در اسرائیل تقریباً سه برابر شده و به ۱۶ میلیارد دلار رسیده است. برخی معتقدند که چین از آمریکا در زمینه سرمایه‌گذاری در اسرائیل پیشی می‌گیرد (bbc, 2018). در ۲۰۱۸ صادرات اسرائیل به سرزمین اصلی چین و هنگ‌کنگ ۹ میلیارد دلار (۴/۸ میلیارد دلار به چین و ۴/۲ میلیارد دلار به هنگ‌کنگ) بود، در حالی که واردات ۱۰/۵ میلیارد دلار تقریباً به‌طور کامل از چین بود.

نمودار شماره (۲). مقایسه حجم تجارت بین چین و اسرائیل



Source: Orion, 2019: 116

این نمودار بیانگر حجم تجارت میان دو کشور برحسب میلیارد دلار تا پایان ۲۰۱۸ است. قسمت روشن‌تر ستون میزان واردات از چین از سوی اسرائیل را نشان می‌دهد. در نمودار سیر تصاعدی صادرات چین به اسرائیل بالأخص از پایان ۲۰۱۷ مشخص است. قابل ذکر است که جهش نرخ تجارت زمینه افزایش آن را در سال‌های آتی فراهم می‌آورد. تراز تجاری مثبت (به نفع چین) نشان‌دهنده این است که چین

اسرائیل را منبعی جهت تحقق اهداف خویش می‌داند. به جهت رسوخ اقتصادی چین در حیطه نفوذ آمریکا نیاز به تجارت با ایالات متحده را با توجه به جمعیت کم اسرائیل به‌مرور تقلیل داده؛ و با توجه به اینکه این کاهش وابستگی به حوزه امنیتی و سیاسی نیز تسری میابد؛ ایالات متحده بیم از دست دادن متحد منطقه‌ای خود را دارد. نفوذ چین بر مواضع رسمی دیپلماتیک اسرائیل از منظر ایالات متحده امری مسئله‌ساز خواهد بود. قدرت اقتصادی چین توانایی خود را برای اعمال فشارهای سیاسی بر اسرائیل علیه واشنگتن نشان داده است. نکته دیگر این است که در پروژه‌های بزرگ و کوچک پیشنهادها مقرون‌به‌صرفه چین، تعهد به اتمام آن‌ها در مهلت‌های معین و علاقه چین به تأمین اعتبار بخش‌هایی از هر پروژه اسرائیل را به‌شدت به تداوم همکاری جلب می‌کند؛ امری که حفظ جایگاه اقتصادی تجاری ایالات متحده در اسرائیل را برای آن سخت‌تر خواهد ساخت.

تداوم سرمایه‌گذاری اقتصادی چین در اسرائیل می‌تواند باعث به اشتراک گذاشتن اطلاعات با چین شود؛ مسئله‌ای که برای ایالات متحده نگران‌کننده بوده به‌گونه‌ای که با تداوم فشار از سوی آن منجر به ایجاد مکانیسم غربالگری سرمایه‌گذاری خارجی در اسرائیل در ۲۰۱۹ شد، باین‌حال سیر سرمایه‌گذاری و مبادلات اقتصادی چین با اسرائیل روبه‌فزونی است به‌گونه‌ای که علاوه بر سرمایه‌گذاری اقتصادی، این کشور در خود شرکت‌های سرمایه‌گذار، اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است؛ که بسیار با حوزه زیرساختی و امنیتی اسرائیل مرتبط است.

۱۱. ارزیابی تهدیدهای گسترش حیطه نفوذ مدیترانه‌ای

اگر ژئوپلیتیک را ارتباط سیاسی و استراتژیک جغرافیا جهت دستیابی به قدرت بین‌المللی توصیف کنیم؛ این امر شامل کنترل مناطقی است که بر امنیت و رونق تأثیر دارند. ابتکار عمل کمربند و جاده چین که مدیترانه جزء اصلی آن است ایالات متحده و اروپا را وادار کرده که برای اولین بار از زمان جنگ سرد بسیار جدی‌تر درباره ژئوپلیتیک بیندیشند. رقابت ژئوپلیتیک مستلزم هماهنگی ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی همانند سمفونی است. نکته‌ای که چین به‌خوبی آن را درک و در حال اجرای آن است.

چین معتقد است که برای حاکمیت بر جهان حق دارد مدیترانه را کنترل کند. هدفی که در چند سال اخیر شاهد تحقق آن بوده‌ایم. این کشور ابتدا با ابزار اقتصادی همچون فعالیت در بندرگاه‌ها نفوذ خود را آغاز و بعد با شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات مخابراتی، سیستم ارتباطی و شبکه فناورانه خود را گسترش داده است. ایالات متحده از نفوذ چینی‌ها در مدیترانه آگاه است اما واشنگتن نتوانست به‌عنوان مثال اسرائیل را به عقب‌نشینی از قرارداد بندر حیفا وادار کند (Chang, 2020). واشنگتن هیچ‌گاه نارضایتی خود از

تحولات حیفا را مخفی نکرده و نگرانی دولت ترامپ درباره دخالت چین در این بندر بارها اعلام شده است. نزدیکی بندر غیرنظامی به پایگاه نیروی دریایی اسرائیل در حیفا می‌تواند به چینی‌ها اجازه دهد فعالیت دریایی اسرائیل را ردیابی کرده و همچنین دادن کلیدهای بندر استراتژیک به طرف خارجی (چین) به معنای از دست دادن کنترل اسرائیل بر دروازه مهم و محوری است (Lappin, 2019) حضور روبه گسترش چین در مدیترانه با تحت شعاع قرار دادن فعالیت اقتصادی در حوزه بندرگاهی مدیترانه و گسترش فعالیت نظامی و تهدید امنیتی اطلاعاتی اسرائیل تنها یک جنبه از تهدید نفوذی برای ایالات متحده است. از سوی دیگر چین تحت ایده کمربند و جاده خود به کشورهای اروپای غربی به شدت نزدیک شده و می‌تواند حوزه نفوذ اروپایی ایالات متحده را نیز تهدید کند.

نتیجه‌گیری

اعمال سیاست عمل‌گرایانه و اهداف تدوین شده در حزب کمونیست جهت ارتقای بیش‌ازپیش خود در سیستم بین‌الملل موجب شده که به‌عنوان هژمون منطقه آسیای شرق حیطه نفوذ خود را بالأخص به جهت اقتصادی گسترش دهد و از ابزارهای خویش در قالب ابتکارات و برنامه‌هایی مشخص برای هر حوزه جغرافیایی استفاده می‌کند به گونه‌ای که اکنون در آسیا و تا به آفریقا دولت‌ها به نحوی درگیر این ابتکارات و ابزارهای اقتصادی و بعضاً نظامی و سیاسی هستند. رشد بالای اقتصادی فرصت بهبود و ارتقا بودجه و اهداف نظامی و تعریفی گسترده از حیطه نفوذ نظامی تسلیحاتی بدان داده است که در راهبرد و عملکرد این کشور قابل مشاهده است.

با نگاهی واقع‌گرایانه در نظم مبتنی بر خودیاری دولت‌ها در پی تأمین امنیت خود خواهند بود نگرشی که چین به‌خوبی آن را اعمال نموده اما در طرف مقابل آن ایالات متحده این رویکرد را موجب تضعیف امنیت خود می‌پندارد. معمای امنیتی کنونی میان دو رقیب اقتصادی پس از جنگ تجاری و با گسترش نفوذ در خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای که حیطه استراتژیک ایالات متحده تعریف می‌شود و در پی آن گسترش تعاملات با اسرائیل پیامدهای امنیتی برای ایالات متحده در بردارد. قابل ذکر است که چین قصد ندارد نقش بزرگی را در خاورمیانه به روش سنتی ایفا کند و عمیقاً درگیر سیاست منطقه شود بلکه درصدد است با استفاده از وسایل دیپلماتیک که ناگزیر از تأثیرگذاری اقتصادی آن است، از بحران‌ها و تغییراتی در منطقه بهره‌برد تا اصول و ترتیبات موردنظر خود را ارتقا بخشد و جایگاهی مستحکم را در منطقه ایجاد کند. نیاز و اهمیت دول منطقه و البته اسرائیل به حضور چین، ظهور و بروز آن را در حیطه نفوذ استراتژیک ایالات متحده تبدیل به امری پیچیده نموده است.

ایالات متحده بارها نگرانی خویش را از حضور چین در منطقه استراتژیک و تحت نفوذ خود اعلام کرده و حتی در اوایل ۲۰۲۰ هشدارهایی مبنی بر عدم تداوم تعامل اسرائیل با چین و حتی لغو قراردادهای پیشین در حوزه زیرساختی، فناوریانه و نظامی به اسرائیل اعلام نموده است. شرکت‌های چینی در زیرساخت‌های استراتژیک اسرائیل، از حمل و نقل به برق گرفته تا حمل و نقل عمومی، سرمایه‌گذاری کرده‌اند و میلیون‌ها دلار از سهام راه‌اندازی فناوری پیشرفته را خریداری کرده‌اند که ایالات متحده با نگاهی امنیتی آن را می‌بیند و نسبت به تعاملات تجاری چین در زمینه‌های هوش مصنوعی، رباتیک صنایع نیمه هادی بسیار حساس است بالاخص بدین لحاظ که مرزهای بین کاربردهای نظامی و غیرنظامی این فناوری‌ها ثابت نیست نمی‌توان این نگاه امنیتی را منحصر به دولتی خاص دانست بایدن پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ اعلام داشت که جبهه متحدی جهت فشار چند جانبه‌ای را برای مقابله با مسائل تجاری به چین تشکیل خواهد داد.

مهم‌تر از رویکردی که آمریکا در قبال هر منطقه‌ای اتخاذ می‌کند نیاز این کشور به داشتن چشم‌اندازی فراگیر در این خصوص است چگونه می‌تواند در این رقابت راهبردی بر دیگران برتری پیدا کند. در این عرصه جدید ایالات متحده با تقویت و پیشتازی در عرصه اقتصادی و فناوری و های تک و حفظ جایگاه رهبری و هژمونی خود و متعهد نشان دادن خویش به تعهدات بین‌المللی می‌تواند جایگاه خود را حفظ کند. واشنگتن باید اقدامات چین را که اکنون آن را بزرگ‌ترین تهدید امنیت ملی می‌داند، در قالب طرح کمربند و جاده در منطقه را به‌دقت پایش کند و نسبت به پروژه‌های زیرساختی که ممکن است پیامدهای امنیتی منفی برای حضور ایالات متحده در منطقه داشته باشند هوشیار باشد. این امر زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که رشد و گسترش حیطه نفوذ چین در کنار همکاری ولو تاکتیکی با روسیه جایگاه تک‌قطبی ایالات متحده را به‌عنوان قدرت هژمونیک به خطر اندازد.

References

- Arghavani Pirsalami, F. (2019), Explanation of China's Regional Balancing Policy in the Middle East, *world politics journal*, Volume 8, Issue 2, Pages 139-176 (in Persian).
- Auten, Brian J. (2008). *Carter's Conversion: The Hardening of American Defense Policy. United States*. Columbia: University of Missouri Press.
- Brown, Kevin & shoham, Yoav (2008). *Essentials of Game Theory*. Publication in the Morgan and Claypool Publishers.
- Burchill, S. (2014). *Theories of international relations*, translated by Moshirzadeh, H Talebi, A. Mizan legal foundation, tehran (in Persian).
- chang, Gordon. (2020). *China In The Mediterranean*. available at: <https://www.hoover.org/research/china-mediterranean>.
- Efron, shira. (2020). Chinese Investment in Israeli Technology and Infrastructure. *RAND*

- Cooperation. Calif.*
- Eran, oded. (2019) Israel, The United States, China, and India: Partnerships with Conflicting Interests Israel China Relation: opportunities and challenges. *INSS*.
- estrin, daniel. (2019). *There's A Growing Sore Spot In Israeli-U.S. Relations: China*. available at: <https://www.npr.org/2019/09/11/757290503/theres-a-growing-sore-spot-in-israeli-u-s-relations-china>
- Evron,yoram. (2017). Chinas Diplomatic Initiatives in the Middle East: The Quest for a Qreat-Power Role in the Region, *Article in International Relation*. University of Haifa.
- Gilsinan, Kathy. (2019). *The U.S. Is Worried About China's Investments—This Time in Israel*. available at: <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2019/07/us-concerned-about-chinese-investments-israel/593794>.
- Haywood, A. (2013), *Politics*, translated by Alam,A,ney publication,Tehran,(in Persian).
- Jervis, Robert (1988). Realism, Game Theory and Cooperation. *World Politic*. Cambridge uni.
- Kaveh,A & Mohammadi,T.(2018), India-China Relations: From Economic Cooperation to Strategic Competition,*journal of foreign policy*, 32(1),p.p163-196.(in persian).
- Ku, Mercy (2018). *Israel China Relations: Innovation, Infrastructure, Investment*. available at: <https://thediplomat.com/2018/07/israel-china-relations-innovation-infrastructure-investment>.
- Kumaraswamy,p.r.(2013),China, Israel and the US: The Problematic Triangle, China Report, vol. 49, issue 1
- lappin, Yaakov. (2019). *Testing U.S.Israel Alliance: Chinese and Haifa's Port*. Jwish Policy Center. available at: <https://www.jewishpolicycenter.org/2019/10/10/testing-u-s-israel-alliance-chinese-and-haifas-port>.
- levine, Nathan. (2019). China's Vision of Victory, July 15, 2019 Topic. *Security Region: Asia Tags*. ChinaXi Jinping War Communism Military.
- Lons, Camille et al. (2019). China's Great Game in the Middle East. *European Council on Foreign Relations*.
- Mitzen, Jennifer (2006). Ontological Security in World Politics. *Ohio State University, USA*.
- novak, jake. (Aug 29 2019). *Israel Will soon have to Vhoose between China and the US*. available at: <https://www.cnn.com/2019/08/29/israel-will-soon-have-to-choose-between-china-and-the-us.html>
- Orion, assef & Gilia Lavi. (2019). *Israel China Relation:Opportunities And Callenges*. Institute for National Security Studies. Memorandum no.194.august.
- Pollack, janathan. (2014), *China, Israel and the U.S. Foreign Policy*. brookings.
- Schwartz,felica. (2019). *Chinese Investment in Israel Raises Security Fears*. available at: <https://www.wsj.com/articles/chinese-investment-in-israel-raises-security-fears-11549881000>.
- Segev, Hiddai (2018). *Sino-Israeli Security Relations: In America's Shadow*. available at: <https://www.mei.edu/publications/sino-israeli-security-relations-americas-shadow>
- Shai, Aron (2014). China and Israel Relations and Future Prospects. *ASPJ Africa & Francophonie*.
- Shariatinia, M. (2015). Zionist regime(Israel) military interactions with Russia, India, China,*journal of foreign relations*,7(2),p.p,101-134.(in Persian).

- Sheykholeslami,m,(2020), The Importance and Position of Superior Technology (High-tech) in China's Foreign Policy Strategy towards Israel,research letter of international relations journal, V.12,N.48,P.p93-128(in persian).
- Simbar, Reza (2016) Iran Nuclear Security Dilemma From The Perspective Of Neo-Realism, *STUDIES OF INTERNATIONAL RELATIONS JOURNAL (POLITICAL SCIENCE AND INTERNATIONAL RELATIONS JOURNAL)*,WINTER 2017 , Volume 9 , Number 36; Page(s) 87 To 106(in persian).
- Taherkhani,S.(2011),An Introduction to Game Theory,*journal of foreign policy*,25(1), p.p,219-242(in Persian).
- Tang, Shiping (2009). *Security Studies*. Taylor & Francis Group, The Security Dilemma: A Conceptual Analysis.
- TAŞCI, Deniz (2020). Game Theory: Importance, Applications and Contributions. *Hacettepe University Faculty of Economics and Administrative Sciences*.
- Wormuth,ch.(2019) ,*Russia and China in the Middle East: Implications for the United States in an Era of Strategic Competition*,Rand foundation,translated by Batoii,A, Report Code: 98-128.(in persian).
- Yellinek, Roie (2016). China's New Position on the Middle East. *BESA Center Perspectives*.